

معجزه جاویدان

محمد مهدی فجری

مقدمه

زنجیرهای اسارت، حامی مظلومان و افتادگان،^۱ خواستار عدل و داد،^۲ طرفدار علم و دانش و...^۳ خوانند و خود را خاتم پیامبران و آیین خود را خاتم آیینها دانست.^۴ ایشان برای اثبات سخن خویش، معجزات متعددی ارائه کرد؛ اما معجزه جاویدان آن بزرگوار یعنی قرآن، در مقایسه با دیگر موارد، مثل:

چهارده قرن پیش، هنگامی که تیرگیهای شرک و جهل و حکومت خدایان مصنوعی، سراسر گیتی را فرا گرفته بود و مردم روم و ایران از ظلم و تبعیضهای ناروای دو امپراتوری بزرگ به ستوه آمده بودند و سایه یأس و نومیدی، آسمان ملتهای جهان را تیره و تار ساخته بود، در یک سرزمین خشک و سوزان و دورافتاده از تمدن و علم، اما از خاندانی شریف، مردی برخاست و خود را رهبر ملتهای جهان، پاره‌کننده

۱. ر. ک: نور / ۵۵.

۲. ر. ک: مانده / ۸.

۳. ر. ک: زمر / ۹.

۴. ر. ک: احزاب / ۴۰.

«شق القمر»^۱ (دو نیم کردن ماه)،
 «تسیح گفتن سنگ در دست ایشان»^۲،
 «حرکت درخت به امر آن حضرت
 و...»^۳ از برتری و درخشش خاصی
 برخوردار است تا جایی که می‌توان
 این کتاب آسمانی را معجزه‌ای بی‌نظیر
 و یگانه در میان همه معجزات انبیای
 الهی دانست.

قرآن، کتابی است فوق افکار بشر،
 سندی است گویا، برنامه‌ای است
 جهانی و دایمی، قانونی است جامع و
 روحانی، معجزه‌ای بی‌همتا که نیاز به
 معرفی ندارد؛ چرا که محتوای غنی آن
 بهترین معرفی‌کننده آن است و قرن‌ها
 پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانند
 زمان حیات آن بزرگوار، به دعوت
 خود ادامه می‌دهد؛ در حالی که سخن

گفتن حضرت عیسی علیه السلام در گهواره،^۴
 زنده نمودن مردگان،^۵ عصای حضرت
 موسی علیه السلام و همانند آن،^۶ در زمان و
 مکان خاص و در برابر اشخاص
 معینی بوده و اعجاز آن بدون حضور
 آن بزرگواران امکان‌پذیر نیست؛ ولی
 قرآن زمان و مکان را در هم شکسته
 و گذشت زمان و پیشرفت علم و
 دانش، ما را در بهتر شناختن این
 معجزه کمک می‌کند؛ زیرا قرآن، ابعاد
 مختلفی از اعجاز را در خود جای
 داده و هر کس از هر زاویه‌ای به آن
 بنگرد، می‌تواند با تعمق و دقت،
 بخشی از پیامهای اعجاز‌آمیز آن را
 دریافت نماید. از اینرو است که حتی
 غیرمسلمانان و مخالفان قرآن - در
 گذشته و حال - نتوانسته‌اند عظمت و
 بی‌مانندی قرآن را انکار کنند و در
 سخن خویش به این موضوع اقرار
 کرده‌اند.

۴. بقره / ۷۳.

۵. همان.

۶. طه / ۱۷ - ۲۱.

۱. ر. ک: قمر / ۱.

۲. احتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی،
 مشهد، ۱۴۰۳ ق، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه
 بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۸۴.

خطبه ۱۹۲.

آن، محمد صلی الله علیه و آله [علیه السلام] دور نگاه داشته بودند؛ اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش بگذاریم، پرده‌های جهل و تعصب نابجا از بین می‌رود و به زودی این کتاب توصیف‌ناپذیر (قرآن) عالم را به خود جلب نموده، تأثیر عمیقی در علم و جهان [ایجاد] می‌کند و سرانجام مهد افکار مردم جهان می‌گردد؛

وی همچنین می‌گوید: «ما در ابتدا از قرآن روگردان بودیم، اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب کرد و ما را دچار حیرت ساخت تا آنجا که در برابر اصول و قوانین علمی بزرگ آن سر تسلیم فرود آوردیم.»^۱

سید قطب در تفسیر «فی ضلال القرآن» می‌گوید: «جمعی از مادیون در روسیه شوروی هنگامی که می‌خواستند در کنگره مستشرقین - که در سال ۱۹۵۴ م تشکیل شد - بر

ابو العالی معری (متهم به مبارزه با قرآن) می‌گوید: «این سخن در میان همه مردم - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - مورد اتفاق است که کتابی که [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله [علیه السلام] آورده است، عقلها را در برابر خود مغلوب ساخته و تا کنون کسی نتوانسته است مانند آن را بیاورد. سبک این کتاب با هیچ یک از سبکهای معمول میان عرب اعم از خطابه، رجز، شعر و سجع کاهنان شباهت ندارد. امتیاز و جاذبه این کتاب به قدری است که اگر یک آیه از آن در میان کلمات دیگران قرار گیرد، همچون ستاره‌ای فروزان در شب تاریک می‌درخشد.»^۱

گوته، شاعر و دانشمند آلمانی می‌گوید: «سالیان درازی کشیشان از خدا بی‌خبر ما را از پی بردن به حقایق قرآن مقدس و عظمت آورنده

۱. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دار الکتب

الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

بی‌تردید قرآن کریم مؤثرترین کتاب در سرنوشت جهانیان و فرهنگ و تمدن آنان می‌باشد؛ از اینرو، نیاز است که به عنوان عامل اعجازگر در سرنوشت ملل جهان مورد کنکاش قرار بگیرد

ضرورت شناخت اعجاز قرآن

شناخت اعجاز قرآن از ابتدایی‌ترین، اصیل‌ترین و ضروری‌ترین شناختها است؛ چرا که:

۱. مسلمانان بر این باورند که قرآن معجزه است. این باور باید آگاهانه و دارای دلیل باشد؛ نه تقلیدی و تعبدی؛ لذا برای فهم دقیق چگونگی اعجاز قرآن، نیازمند به استدلال و برهان هستیم؛

قرآن خرده گیرند، چنین می‌گفتند: این کتاب نمی‌تواند تراوش مغز یک انسان بوده باشد، بلکه باید نتیجه تلاش و کوشش جمعیت بزرگی باشد! حتی نمی‌توان باور کرد که همه آنها در جزیره العرب نوشته شده باشد، بلکه به‌طور قطع قسمتهایی از آن در خارج جزیره العرب نوشته شده است.^۱

سید قطب علت این رأی مضحک را انکار وجود خدا و مسئله وحی می‌داند و علت این گفته در قرن بیستم را با استفاده از خود آیات قرآن پاسخ می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲ «به یقین کسانی که به آیات الهی ایمان نمی‌آورند، خدا آنها را هدایت نمی‌کند و برای آنان عذاب دردناکی است.»

۱. تفسیر فی ضلال القرآن، سید بن قطب شاذلی، دار الشروق، بیروت، ۱۴۱۲ هـ - ج ۱، ص ۲۱۹۶.
۲. نحل/ ۱۰۴.

قرآن بکار گیرند، در نهایت به کامل نبودن نوشتار خود اذعان نموده‌اند؛ چرا که جستجو در اعماق این اقیانوس بی‌کران، از عهده انسان خارج است.

خداوند کریم به دفعات انسان را به آوردن کتابی همانند قرآن یا حتی سوره و آیه‌ای مثل آن دعوت کرده است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيْنَ وَ اذْعُوا مِّنْ اِسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ﴾^۱ «آنها می‌گویند: او به دروغ این (قرآن) را [به خدا] نسبت داده [و ساختگی] است. بگو: اگر راست می‌گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید - غیر از خدا - [برای این کار] دعوت کنید.»

در مرتبه دوم، تحدی از ده سوره به یک سوره تقلیل یافته است؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَ اِنْ كُنْتُمْ فِی رَيْبٍ

۲. قرآن سند نبوت پیامبر گرامی اسلام است. سندیت خود قرآن نیز متکی به معجزه بودن آن است؛ بدین معنی، اعجاز قرآن هم سند قرآن است و هم سند نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

۳. تصدیق معجزه بودن قرآن، علاوه بر تصدیق رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تصدیق امامت ائمه اطهار علیهم السلام است؛

۴. بی‌تردید قرآن کریم مؤثرترین کتاب در سرنوشت جهانیان و فرهنگ و تمدن آنان می‌باشد؛ از اینرو، نیاز است که به عنوان عامل اعجازگر در سرنوشت ملل جهان مورد کنکاش قرار بگیرد؛

۵. درک و شناخت آگاهانه اعجاز قرآن، پذیرش دستورات آن را آسان می‌کند و برتریها و شگفتیهایش را آشکار می‌سازد.

اعجاز قرآن

هر یک از مفسرین و محققین علوم قرآنی که توانسته‌اند تواناییهای خود را درباره قلمروهای معجزه بودن

مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۱؛ «اگر دربارہ آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده‌ایم، شک و تردید دارید، [حداقل] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر از خدا - برای این کار فراخوانید، اگر راست می‌گویید.»

پس از آنکه قرآن کریم انسانها را در آوردن مثل و شبیهی برای خود، فرا می‌خواند، آوردن همانند این کتاب را از جن و انس نفی می‌کند که این خبر از آینده، مهم‌ترین معجزه غیبی قرآن به شمار می‌رود؛ چنان‌که می‌فرماید: «قُل لِّئِنِ اسْتَمَعْتِ الْبَنَاتُ وَالْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَأَيَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»^۲؛ «بگو: اگر انسانها و اجنه اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد،

هر چند یکدیگر را [در این کار] کمک کنند.»

علاوه بر محتوا و نحوه بیان قرآن کریم، جنبه دیگر اعجاز این کتاب آسمانی، اعجاز به لحاظ آورنده آن است.

به گواهی تاریخ اولاً جامعه عربستان در زمان حضرت رسول ﷺ، یک جامعه عقب‌مانده و نیمه وحشی بوده و هیچ چیزی که مایه پیشرفت و ترقی باشد، در آن منطقه یافت نمی‌شده است. ثانیاً، آن بزرگوار مطلقاً خواندن و نوشتن نمی‌دانسته است. چگونه ممکن است کسی که در چنین محیطی که افراد باسواد در آن کمیاب بوده، درس خوانده باشد و در عین حال، مشخص نشود و هیچ‌یک از مردم او و استادش را نشناسند؟ و چگونه تصور می‌شود چنین کسی با کمال صراحت در برابر تمام مردم بگوید: من درس نخوانده‌ام و «امی» هستم و کسی به او اعتراض

۱. بقره/۲۳.

۲. [سراء/۸۸].

الف. اعجاز ساختاری قرآن
۱. فصاحت و بلاغت

از آنجایی که پیامبران الهی برای اثبات مدعای خود معجزاتی هماهنگ و هم سنخ با آنچه در زمان آنان رایج بوده، می آورده اند تا اعجاز به روشن ترین وجه اثبات شود، بر این اساس در عصر سحر و جادو، حضرت موسی علیه السلام با معجزه ای همسان با سحر رایج آن زمان (تبدیل عصا به اژدها) نبوت خویش را اثبات نمود و در عصری که علم پزشکی در بالاترین سطح فرهنگ آن جامعه قرار داشت، زنده کردن مردگان و شفا دادن کور مادرزاد توسط حضرت عیسی علیه السلام معجزه ای برای نبوت آن حضرت بود. در زمان نزول قرآن نیز فصاحت - شیوایی کلمات و روانی تلفظ آنها - و بلاغت - رسایی و گویایی و دقت تعبیر در فهماندن مقصود - به بالاترین حد خود رسیده بود و لازم بود تا معجزه پیامبر اسلام نیز مطابق با آن ظهور پیدا کند تا

نکند؟^۱ گرچه این موضوع (بی سواد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله) در ابتدا نقص به نظر می رسد، ولی در مورد شخص ایشان یک نکته قوت است؛ چرا که بعد از نزول قرآن با آن عبارات و محتوا و معارف عالی، دیگر جای شک در این موضوع نبود که این کتاب از ناحیه خدا است، نه زائیده فکر یک انسان درس نخوانده.

قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُوهُ بِمِعْيَنِكُمْ إِذَا لَأْرْتَابَ الْمُبْطِلُونَ»؛^۲ «تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی. مبدا کسانی که در صدد [تکذیب] و ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند!»

۱. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۲۲ و ۲۳.

۲. عنکبوت/۴۸.

الْبَشَرِ»^۱؛ او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه و اندازه‌گیری کرد، پس کشته باد چگونه اندازه‌گیری کرد، سپس کشته باد چگونه اندازه‌گیری کرد. پس اندیشید، بعد چهره در هم کشید و [عجولانه] دست به کار شد. سپس پشت [به حق] کرد و تکبیر ورزید و سرانجام گفت: این [قرآن] چیزی جز افسون و سحری اثر گذاشته شده نیست! این فقط سخن انسان است [نه گفتار خدا].»

۲. عدم اختلاف

یکی دیگر از جنبه‌های اعجاز این کتاب، هماهنگی آیات و عدم اختلاف در آنها است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾^۲؛ «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.»

بتواند مخاطبان خود را به مبارزه بطلبد؛ چرا که اگر معجزه هر عصری نتواند با علوم آن عصر همخوانی داشته باشد، هدف از معجزه و هم‌آوردخواهی آن بی‌فایده خواهد بود.

از سوی دیگر، مخالفان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مدعیان نبوت در عصر آن حضرت و اندکی پس از آن، در مقام همانند آوری قرآن بر این بُعد (فصاحت و بلاغت) آن تکیه داشته‌اند. این ویژگی ممتاز موجب شد تا در زمان آن حضرت، اشخاصی که از نظر فصاحت و بلاغت و به‌طور کلی در ادبیات عرب ممتاز و خیره‌شناخته می‌شدند، به فکر فرو روند. و چون قادر به انکار آن کلمات نبودند، آن را سحر معرفی کردند. قرآن کریم با اشاره به یکی از این افراد می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ * فَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ * ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ * فَسَاءَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ * إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ

۱. مدثر/ ۱۸ - ۲۵.

۲. نساء/ ۸۲.

علاوه بر محتوا و نحوه بیان قرآن کریم، جنبه دیگر اعجاز این کتاب آسمانی، اعجاز به لحاظ آورنده آن است

تدبّر در قرآن ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که کتابی که سالهای متمادی در مکانهای مختلف و در زمانهای گوناگون و در حالت‌های متفاوت، گاهی در سختی و صعوبت و گاهی در سهولت و آسانی، گاه در جنگ و گاه در صلح، گاه در فقر و گاه در پیروزی و جمع غنایم جنگی، گاهی در سفر و گاهی در حضر، گاه در مکه و گاه در مدینه، زمانی در برخورد با دشمنان و زمانی در رابطه با دوستان و از همه مهم‌تر اینکه در مدت زمان طولانی ۲۳ سال - نازل شده است، نمی‌تواند توسط شخصی تنظیم شده باشد و در عین حال در

آن اختلافی یافت نشود؛^۱ در حالی که روحيات انسان دایم متغیر می‌باشد. قانون تکامل در شرایط عادی به‌گونه‌ای است که دایماً با گذشت زمان، زبان، فکر و سخنان انسان نیز در حال دگرگونی است و نه تنها نوشته‌های یک نویسنده در گذر ایام، یکسان نیست، بلکه آغاز و انجام یک کتاب نیز متفاوت است.

اما قرآن کتابی است که در مدت ۲۳ سال بر طبق احتیاجات و نیازمندیهای تربیتی مردم نازل شد و به گفته مورخ سرشناس غربی، دکتر گوستاوبون: «قرآن کتاب آسمانی مسلمانان منحصر به تعالیم و دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستوره‌ای سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است.»^۲ چنین کتابی با این مشخصات عادتاً

۱. تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)،

عبد الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ

اول، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. قرآن و آخرین پیامبر، ص ۳۰۹.

ممکن نیست خالی از تضاد و تناقض و مختلف گویی باشد؛ ولی هنگامی که می‌بینیم همه آیات آن هماهنگ و خالی از هرگونه تضاد و اختلاف و ناموزونی است، پس نمی‌تواند زاییده افکار بشر باشد.

۳. جذبه و روحانیت خاص

از همان اوایل بعثت پیامبر اسلام ﷺ تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود. به طوری که مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند. اعرابی هم که به دور از چشم مشرکین به این آیات گوش می‌سپردند، ناخواسته جذب معنویت و روحانیت آن می‌شدند. گریایی، زیبایی و تأثیر شگرف از ابعاد اعجاز و ویژگی‌های بسی‌مانند این کتاب آسمانی است. این نفوذ نه تنها در فکر بشر، بلکه در قلب او نیز اثر کرده بود و موجب شد تا عرب دوران جاهلیت تحت تأثیر جاذبه شگفت و تأثیر انقلاب‌ساز قرآن مجید دگرگون شود و نکته جالب آنکه در سیزده

سال آغازین اسلام در مکه، تنها عامل جذاب در کنار اخلاق پیامبر اکرم ﷺ، آیات قرآن بود که این خود بزرگ‌ترین اعجاز است. به عنوان نمونه، بسیاری از مفسرین - از جمله علامه طبرسی در مجمع البیان - نقل کرده‌اند که هنگامی که آیات سوره غافر نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ در مسجد الحرام به نماز ایستاده بود، ولید بن مغیره مخزومی - مرد معروف و سرشناس مکه که سران قریش به عقل و درایت او اعتماد داشتند و در مسائل مهم با او به شور می‌پرداختند - نزدیک حضرت بود و تلاوت آیات ایشان را می‌شنید. هنگامی که پیامبر ﷺ متوجه این موضوع شد، آیات را تکرار کرد. این آیات سخت «ولید» را تکان داد و هنگامی که به مجلس قومش «طایفه بنی مخزوم» بازگشت، گفت: به خدا قسم! هم اکنون کلامی از محمد ﷺ [و سلم] شنیدم که نه شباهت به سخن انسانها دارد و نه به پریان. «إِنَّ لَهُ

لَعَلَّوَةٌ وَإِنْ عَلَيَّهِمْ لَطَلَاوَةٌ وَإِنْ أَعْلَاهُ لَنْفِيرٌ
وَإِنْ أَسْفَلَهُ لَتَنْفِقُونَ وَإِنَّهُ لَيَغْلِبُونَ وَلَا يُغْلَبُونَ؛^۱
گفتار او شیرینی خاصی دارد و زیبایی
و طراوت فوق العاده، و شاخه‌های
پر میوه و ریشه‌هایش پرمایه و سخنی
است که از هر سخن دیگر بالاتر
می‌رود و هیچ سخنی بر آن برتری
نمی‌یابد.

امروزه نیز پس از گذشت قرن‌ها از
نزول قرآن، روحانیت این کتاب را
معجزه خاص آن می‌دانند که هیچ
کس توان آوردن کلامی با چنین
تأثیرات شگرفی را ندارد.

ب. اعجاز در جامعیت و استحکام

قوانین

نظام تشریح و قانون‌گذاری قرآن
از چنان متانت و استواری برخوردار
است که هیچ کس قادر نیست همانند
آن را بیاورد؛ بلکه هر قانونی که
توسط انسان و افراد خبره وضع
می‌شود، پس از گذشت چندی،

اشکالات و سستی‌اش آشکار می‌گردد
و به ناچار به تغییر آن می‌پردازند.
حال آنکه با توجه به معلومات
محدود انسان و با توجه به اینکه
پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در محیطی پرورش
یافته بود که از همان علم و دانش
محدود بشری آن زمان نیز خبری
نبود، آیا وجود این همه محتوای
متنوع در زمینه مسائل توحیدی،
اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و...
دلیل بر این نیست که قرآن کریم از
مغز انسان بلکه انسانها تراوش نشده،
بلکه از ناحیه خدا است؟

در آیه ۹۰ سوره نحل می‌خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ
ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ
الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛^۲ «خداوند
به عدل و احسان و بخشش به
نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و
منکر و ستم نهی می‌کند. خداوند به
شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر
شوید.»

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء،

بیروت، ۱۴۰۴ هـ - ق، ج ۹، ص ۱۶۷.

۲. نحل/۹۰.

و محتوی کلیه علوم است. کتابی است که هم دارای دستورهای مذهبی و هم قوانین مدنی امروز و هم نسخه راهنمای یک قاضی و هم کمال مطلوب یک پیشوای روحانی است.^۱ از سوی دیگر خطابه‌های قرآن مربوط به همه انسانها است و حتی یک مورد هم خطاب «یا اهل العرب» در آن دیده نمی‌شود. بدین ترتیب مخاطبین قرآن همه جهانیان، و قوانین آن ناظر به همه انسانها است.

اگر تمام دانشمندان امروز و متخصصان علوم مختلف جمع شوند و دائرة المعارفی تنظیم نمایند و آن را در بهترین قالبها بریزند، ممکن است این مجموعه برای برطرف کردن نیازهای جامعه امروز جامعیت داشته باشد؛ اما مسلماً برای ۵۰ سال بعد نه تنها ناقص و نارسا است، بلکه آثار کهنگی از آن می‌بارد. در حالی که قرآن در هر عصر و زمان که خوانده

از همان اوایل بعثت پیامبر اسلام ﷺ تأثیر شگرف قرآن در قلوب مردم واضح بود. به طوری که مشرکین عرب، مردم را از گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند

مفسر معاصر، آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «این آیه ظرفیت دارد که دهها قانون امر و نهی و... از آن استخراج و استنباط شود.»^۱ «آلبر ماله» مورخ و دانشمند فرانسوی، در کتاب «تاریخ عمومی» در مورد عظمت قرآن می‌نویسد: «قرآن، کتاب به تمام معنا ممتازی است که جایگزین سایر کتابهای عالی

۱. تفسیر موضوعی قرآن کریم «وحی و نبوت در قرآن»، عبد الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۳۵.

قرن ۱۹ م. مورتخان، جهان از وجود چنین قوم و تمدنی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند.^۱

و جالب اینکه قبل از اکتشافات جدید، نامی از سلسله ملوک سبا و تمدن عظیم آن برده نمی‌شد و مورتخان «سبا» را فقط شخصی افسانه‌ای می‌دانستند که مؤسس دولت «حمیر» بوده است. در حالی که قرآن ضمن نام نهادن سوره‌ای به نام این قوم، به یکی از مظاهر تمدن آنها نیز که بنای سد تاریخی مأرب است، اشاره می‌کند و قرن‌ها بعد، پس از کشف آثار تاریخی این قوم در یمن، عقیده دانشمندان دگرگون می‌شود.^۲

نکته جالب توجه آن است که یکی از علل عدم استخراج آثار تمدن سبا تا قرن ۱۹ م.، سختی راه و گرمای شدید هوا بوده است تا اینکه عده

شود، گویی برای همان عصر نازل شده است.

ج. اعجاز قرآن و اخبار غیبی

خبرهای غیبی قرآن شامل موارد زیر است:

۱. اخبار گوناگونی از خداوند و اوصاف او، فرشتگان، اجنه، عالم برزخ و آخرت، بهشت و جهنم، چگونگی برپا شدن قیامت، رسیدگی به اعمال بندگان و ...

۲. اخبار غیبی از اتمهای گذشته و سرگذشت آنها که در قرآن کریم وجود دارد.

در عصری که هیچ کسی اطلاع دقیقی از گذشته نداشته و هیچ یک از وسایل اطلاع‌رسانی و یا علوم باستان‌شناسی موجود نبوده است، قرآن دقیقاً به بیان اخبار گذشته می‌پردازد و پس از قرن‌ها، امروزه بر اثر کاوش‌های باستان‌شناسی، نشانه‌هایی از آنها یافت می‌شود که به عنوان نمونه می‌توان به سرگذشت قوم سبا اشاره کرد. در حالی که تا

۱. قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن، صدرالدین بلاغی، چاپخانه سپهر، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۰، ص ۳۷۸، ماده سبا.
۲. همان.

بدون هیچ‌گونه تردیدی بیان شده است. در حالی که اگر این اخبار از طرف شخص پیامبر ﷺ بدون واسطه وحی می‌بود، باید با تردید بیان می‌شد؛ چرا که در صورت خلاف، مردم به نبوت ایشان بدبین شده و از اطرافش پراکنده می‌شدند.

مهم‌ترین پیشگویی قرآن، آیاتی است که غلبه ناپذیری قرآن را در همه اعصار و قرون نفی کرده، می‌فرماید: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِشَيْءٍ هَذَا الْقُرْآنِ لَأَن يَأْتُونَ بِبَدِيلِهِ وَلَوْ كَانُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾^۱ «بگو: اگر انسانها و اجنه اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هر چند یکدیگر را [در این کار] کمک کنند.»

و در آیه‌ای دیگر، ضمن اینکه همگان را به آوردن سوره‌ای همانند قرآن دعوت می‌کند، می‌فرماید: ﴿فَإِن

معدودی از باستان شناسان به خاطر علاقه شدیدی که نسبت به کشف اسرار آثار سبا داشتند، توانستند به قلب شهر «مأرب» و نواحی آن وارد شوند و از آثار و خطوط و نقوش فراوانی که بر روی سنگها ثبت شده بود، نمونه‌برداری کنند و به جزئیات این قوم و حتی تاریخ بنای سد مأرب و خصوصیات دیگر پی بردند و برای غربیان ثابت شد که آنچه را قرآن، قرن‌ها قبل در این زمینه بیان کرد، یک افسانه نیست، بلکه یک واقعیت تاریخی می‌باشد که آنها از آن بی‌خبر بوده‌اند.^۱

۳. اخبار قطعی از آینده دور یا نزدیک و روند تاریخ از دیگر ابعاد اعجاز قرآن است. نکته مهم آن است که همه این پیشگوییها قاطع، محکم و

۱. برای آگاهی بیشتر از کاشفین آثار قوم سبا، تمدن و دین آن قوم، علت ساختن سد مأرب و علت ویران شدن آن [که در قرآن به آن اشاره شده] به کتاب قصص قرآن با فرهنگ قصص قرآن، صفحات ۳۷۷ تا ۳۸۲ مراجعه شود.

لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَا
قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ الَّتِي أُعِدَّتْ
لِلْكَافِرِينَ؛^۱ پس اگر چنین نکنید که
هرگز نخواهید کرد، از آتشی بترسید
که هیزم آن، بدنهای مردم [گنجهکار] و
سنگها (بتها) است و برای کافران
آماده شده است.»

در آیه کریمه فوق «لَنْ تَفْعَلُوا» به
معنای نفی همیشگی است. این
پیشگویی از ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون
ادامه یافته و تاکنون دشمنان
نتوانسته‌اند همانند یک سوره را
بیاورند که اگر توانسته بودند، سریعاً
آن را گسترش داده، علیه اسلام و
قرآن تبلیغات می‌کردند.

مهم آن است که تحدی قبرآن
اختصاص به هیچ عصر و نسل و
گروهی ندارد و هم اکنون نیز قرآن
کریم برای اثبات معجزه بودن خود و
حقیقت رسالت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
همگان را - اعم از توده مردم،

محققان و نوادر - به هم‌آورد و مبارزه
می‌طلبد.

پیشگوییهای قرآن بسیار است که
برخی پس از مدت کوتاهی به وقوع
پیوست (مانند وعده پیروزی در
بعضی جنگها) و برخی نیز پس از
سالها و یا قرن‌ها واقع شده و ما شاهد
بعضی از آنها هستیم و برخی نیز
مربوط به آینده است؛ اما در این
مجال به عنوان نمونه به چند آیه
اشاره می‌کنیم:

اول: «غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى
الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَتْفِيلُونَ *
فِي بَيْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدِ
وَ يَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ»؛^۲ «رومیان
مغلوب شدند [و این شکست] در
سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس
از [این] مغلوبیت، به زودی غلبه
خواهند کرد. در چند سال. همه کارها
از آن خدا است، چه قبل و چه بعد
[از این شکست و پیروزی]. و در آن

اکنون این سؤال مطرح است که آیا در زمانی که ایران در اوج توانایی و روم در اوج ضعف و ناتوانی بود، یک انسان با علم عادی می‌تواند پیروزی کشور بزرگی همچون کشور روم را بدون تکیه بر ماورای طبیعت و علم بی‌پایان خداوند خیر دهد و پیش‌بینی نماید؟

دوم: «وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْخَمِيرَ لِيَتْرَكُوها وَ زِينَةَ وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ «همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید.»

خداوند در این آیه بعد از آنکه به گروهی از حیوانات که برای جابجایی انسان آفریده شده‌اند، اشاره می‌کند، افکار را به وسایل نقلیه و مرکبهای گوناگونی که در آینده در اختیار بشر قرار می‌گیرد، متوجه

روز، مؤمنان [به خاطر پیروزی دیگر] خوشحال خواهند شد.»

در این آیات چند پیشگویی وجود دارد:

الف. شکست رومیان و پیروزی مجدد آنها؛

ب. مکان شکست آنان که در سرزمین نزدیک شما (نزدیک مکه) است؛

ج. زمان وقوع این حادثه (فی بضع سنین) که بضع اشاره به حداقل سه و حداکثر نه سال دارد؛

د. خبر از پیروزی دیگری برای مسلمانان بر کفار که می‌فرماید: «وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ».

تاریخ نشان می‌دهد که هنوز نه سال گذشته بود که این دو حادثه به وقوع پیوست. رومیان که در مقابل ایرانیان شکست خورده بودند، در نبرد جدیدی بر آنها پیروز و مقارن همان زمان، مسلمانان با صلح حدیبیه پیروزی چشمگیری در برابر دشمنانشان به دست آوردند.

آیات فوق در اوج ضعف اسلام، خبر از گسترش و جهانی شدن آن در آینده می‌دهد و به مخالفان اسلام گوشزد می‌کند که ممکن است شما این سخنان را جدی نگیرید و بی‌اعتنا از کنار آن بگذرید؛ اما به زودی صدق این گفتار آشکار خواهد شد.

علامه طباطبایی، خیر پیشگویی قرآن در این آیه را وعد و وعید الهی و غلبه اسلام بر همه ادیان ذکر می‌کند.^۳

د. معجزات علمی قرآن

یکی دیگر از ابعاد اعجاز قرآن، بیان اسرار خلقت (اعجاز علمی) است که برخی از آن اسرار در قرون اخیر ظاهر شده و بسیاری از متخصصان را به شگفتی واداشته است و برخی نیز از عهده بشر امروز بیرون می‌باشد و شاید آیندگان به آن پی ببرند. نکته قابل ذکر آنکه مراد از

می‌سازد که بهتر و خوب‌تر از این حیوانات می‌تواند مؤثر باشند.^۱

تعبیر ظریفی که در این آیه به چشم می‌خورد، کلمه «بِخَلْقِ» است و منظور از آن، این است که اختراعات انسان، در حقیقت جفت و جور کردن و به هم پیوستن اشیا بوده و مولود استعدادی می‌باشد که خداوند متعال به او عنایت فرموده است. در واقع، ماشین و قطار و هواپیما مخلوق خدا است نه بشر. و کیست که نداند عقل و استعداد و طریقه استفاده صحیح از آن را خداوند به انسان مرحمت فرموده است؟^۲

سوم: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»^۳ «این [قرآن] تذکری برای همه جهانیان است و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید.»

۱. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، بانوی اصفهانی.

نشر نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۱۶۷.

۲. ص / ۸۷ - ۸۸

۳. میزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، دفتر

انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۱۷

هـ. ق، قم، ج ۱۷، ص ۲۲۸.

نامیدن خورشید^۱، (اشاره به مستقل نبودن نور ماه)، مراحل انعقاد نطفه و رشد جنین^{۱۱} و دهها مطلب دیگر، از جمله مواردی است که انسان تا قرن‌ها بعد از نزول قرآن بدان مطالب دسترسی نداشته و یا به نظریه‌های خلاف قرآن (مثل نظریه بطليموس)^{۱۲} معتقد بوده و بعدها به اشتباه خود پی برده است. و مهم‌تر آنکه کسی نمی‌تواند در این زمان و یا هر زمان دیگر ادعا کند که به تمام اسرار این کتاب پی برده است.

بررسی ابعاد مختلف اعجاز علمی قرآن که انسان تا این زمان به آن رسیده و در کتب تفسیری و علمی به آن تصریح شده است، بسیار و از حد این نوشتار خارج است؛ اما به عنوان نمونه به چند آیه در ابعاد مختلف علمی اشاره می‌شود:

۱۰. نوح/۱۶.
۱۱. حج/۵، مؤمنون/۱۳ و غافر/۶۷.
۱۲. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۵۴.

اعجاز علمی، تحمیل نظریات و فرضیه‌های علم جدید بر آیات شریفه قرآن و یا تفسیر به اصطلاح علمی آیات، به هر قیمت و هر صورت نیست؛ بلکه مقصود بیان برخی معجزات علمی است که در قرآن مطرح شده است.

گزاره‌های علمی مثل: زوجیت گیاهان^۱، حرکت زمین^۲، حرکت منظم ماه و خورشید^۳، نقش کوهها در اعتدال زمین^۴، کمبود اکسیژن در فراسوی زمین^۵، امکان پرواز در آسمان^۶، مسئله تلقیح^۷، اثر عمیق شب بر روی سلسله اعصاب^۸، مسئله جاذبه^۹، نور خواندن ماه و چراغ

۱. ذاریات/۴۹.

۲. نمل/۸۱.

۳. لقمان/۲۹ و ابراهیم/۳۳.

۴. نبا/۷ و رعد/۳.

۵. انعام/۱۲۵.

۶. الرحمن/۳۳.

۷. حجر/۲۲.

۸. غافر/۶۱ و نمل/۸۶.

۹. رعد/۲ و لقمان / ۱۰.

اول: مراحل انعقاد نطفه

یکی از پیچیده ترین مسایل علمی پزشکی که در چهارده قرن قبل، قرآن به آن اشاره کرده و دقیقاً با علم پزشکی روز مطابقت دارد، مراحل انعقاد نطفه و رشد جنین در رحم مادر است.

قرآن مجید در تشریح این مراحل می فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلْلَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي وَرَاقٍ مُكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَرْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۱ «و ما انسان را از عصاره ای از گِل آفریدیم، سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته]، و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده] و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوردیم و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینش

تازه ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.» این آیات ضمن توصیف اینکه خلقت اولیه انسان - با همه عظمت و استعداد و شایستگی اش - از خاک بی ارزش می باشد، به چند نکته مهم اشاره می کند:

الف. تداوم نسل انسان از طریق ترکیب نطفه نر و ماده و قرار گرفتن آن در قرارگاه امن (رحم مادر) است؛ چرا که موقعیت خاص رحم در بدن مادران، آن را به محفوظترین نقطه در بدن تبدیل کرده است. به گونه ای که جنین از هر طرف به خوبی حفاظت می شود. ستون فقرات از یک سو، استخوان نیرومند لگن از سوی دیگر، پوششهای متعدد شکم از سوی سوم و حفاظتی که از سوی دستها به عمل می آید، شواهدی است که دلالت بر این قرارگاه امن دارد.

ب. ذکر چهار مرحله متفاوت در آیه که به همراه مرحله نطفه بودن مراحل پنجگانه را تشکیل می دهد،

برابر میلیونها رگ موئین قرار می‌گیرد و آن رگها عناصر مفید لازم غذا را جذب کرده و به سینه مادر می‌رسانند. مادر غذا می‌خورد و عصاره‌اش

به خون وارد شده و بچه در شکم مادر تغذیه می‌کند؛ اما همین‌که از مادر جدا شد، مادر دیگر نمی‌تواند خون خود را به نوزاد برساند، از اینرو، باید تغییر حالت و تصفیه‌ای انجام پذیرد تا محصول جدید را برای نوزاد، گوارا و سازگار سازد. اینجا است که شیر گوارا از میان فرث و دم به وجود می‌آید.^۲

آیا هیچ عقل سلیمی باور می‌کند که چنین نکته مهمی که پس از قرن‌ها از تصریح قرآن، دانشمندان قرن اخیر به آن رسیده‌اند، ساخته و پرداخته شخصی درس نخوانده باشد و آیا می‌توان ارتباط او را با منبع وحی انکار کرد؟^{۱۹}

مملو از شگفتیهایی است که در علم جنین‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته، و پیرامون آن کتابهای فراوانی نوشته شده است؛ ولی قرآن زمانی از این مراحل مختلف خلقت جنین انسان و شگفتیهای آن سخن به میان آورد که اثری از این علم و دانش نبوده و حتی در فکر انسان جایگاهی نداشته است.

دوم: غذای کودک در رحم مادر

«وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَّيِّنًا خَالِصًا سَائِغًا يَلْبَسُونَ»^۱ «و در وجود چهارپایان، برای شما [درسهای] عبرتی است، از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده معده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم.»

فیزیولوژی امروز این مطلب را ثابت کرده است که هنگامی که غذا در معده هضم و آماده جذب می‌گردد، در سطح بسیار وسیع و گسترده در داخل معده و روده‌ها در

۲. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، سید رضا

پاک‌نژاد، انتشارات اسلامی، تهران، ج ۶، ص ۸۴

سوم: گردش زمین

آنچه از بررسی تاریخ به دست می‌آید، آن است که در زمان نزول قرآن سکون و مرکزیت زمین جزء عقاید مسلم مردم جهان - اعم از دانشمندان و غیر آنها - بوده و در آن محیط کسی نمی‌توانسته غیر از این فکر کند. در چنین زمانی - یعنی اوایل قرن هفتم میلادی - قرآن پرده از روی این حقیقت برداشته و می‌فرماید: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادًا وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ»^۱ «کوه‌ها را می‌بینی، و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری؛ در حالی که مانند ابرها در حرکت هستند.»

واضح است که حرکت کوه‌ها بدون حرکت زمین معنی ندارد و به این ترتیب منظور از این آیه، حرکت زمین همانند حرکت ابرها است. نخستین دانشمندانی که حرکت کردن زمین را کشف کردند، گالیله و کپرنیک در اواخر قرآن ۱۶ و اوایل

قرن ۱۷ میلادی - یعنی حدود ده قرن پس از نزول قرآن - بودند.^۲

پس از این نظریه، مجمع کلیسای روم، کپرنیک را ملحد شناخت و از خواندن کتاب او جلوگیری نمود؛ ولی قرآن حدود هزار سال پیش از گالیله و کپرنیک، پرده از روی این حقیقت برداشت و حرکت زمین را به صورت فوق به عنوان یک نشانه توحیدی مطرح ساخت.

جالب آنکه تشبیه حرکت زمین به حرکت ابرها در این آیه شریفه، به حرکتی یک‌نواخت و نرم و بی‌سر و صدا اشاره دارد.

چهارم: زوجیت ماده

«وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ»^۳ «و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید.»

این آیه شریفه، با اشاره به این مطلب که میوه‌ها نیز موجودات

۲. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، شرکت

سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. رعد/۳.

زنده‌ای هستند که دارای نطفه نر و ماده می‌باشند، یکی دیگر از معجزات علمی قرآن را به نمایش می‌گذارد، و زمانی همگان را به حیرت وامی‌دارد که «لینه» دانشمند و گیاه‌شناس سوئدی در اواسط قرن ۱۸ میلادی موفق به کشف این مسئله می‌شود که زوجیت در جهان گیاهان تقریباً یک قانون عمومی و همگانی است و گیاهان نیز همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده بارور می‌شوند.^۱

البته قبل از لینه نیز برخی از دانشمندان به وجود نر و ماده در بعضی گیاهان پی برده بودند؛ اما هیچ کس همگانی بودن این قانون را نمی‌دانست تا اینکه لینه موفق به کشف آن شد.

هـ. قرآن و معجزه عددی

برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران، بُعد دیگری برای

اعجاز قرآن بیان کرده‌اند و آن اعجاز عددی قرآن است. این راز علمی که تا چند سال قبل پنهان مانده بود، با ظهور رایانه و با سرعت و دقتی که در آن می‌باشد، کشف شد و بدین طریق پرده از روی نظم ریاضی قرآن برداشته شد و اعجاز این کتاب، بار دیگر بر جهانیان ثابت گردید. یکی از نویسندگان معاصر عرب به نام «عبد الرازق نوفل» این تناسب و تقابل عدد واژه‌های قرآنی را کشف کرد و گوشه‌ای از این یافته را در کتاب «اعجاز العدد للقرآن الکریم» ذکر کرده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. در قرآن واژه «یوم» (روز) ۳۶۵ بار تکرار شده که هماهنگ با روزهای سال است؛

۲. واژه «شهر» (ماه) ۱۲ بار آمده است که به تعداد ماه‌های سال است؛

۳. واژه تثنیه و جمع «یوم» ۳۰ بار تکرار شده که هماهنگ با روزهای ماه است؛

۱. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۸۶.

۴. واژه «فعل» (کار) ۱۰۸ بار ذکر شده است که به همین تعداد واژه «اجر» (مزد) آمده است؛
۵. واژه «شدت» (سختی) و نیز واژه «صبر» و متعلقاتش هر کدام ۱۰۲ بار در قرآن بیان شده‌اند؛
۶. واژه‌های «ملائکه» و «شیاطین» هر کدام ۸۸ بار، «دنیا» و «آخرت» هر کدام ۱۱۵ بار، «حساب» و «عدل» و «قسط» هر یک ۲۹ بار، به‌طور مساوی ذکر شده‌اند؛
۷. از آسمانهای هفت‌گانه، هفت بار سخن به میان آمده است؛
۸. قرآن از واژه «جزا» ۱۱۷ بار سخن به میان می‌آورد؛ در حالی که واژه «مغفرت» و هم‌خانواده‌اش را دو برابر یعنی ۲۳۴ بار تکرار می‌کند؛
۹. واژه‌های «الحیة» (زندگی) و «الموت» (مرگ) هر یک ۱۴۵ مرتبه تکرار شده‌اند؛
۱۰. در قرآن از واژه «یسر» (آسانی) سه برابر واژه «عسر» (سختی) سخن به میان آمده است؛
۱۱. هر کدام از الفاظ «بصر» (چشم ظاهر) و «بصیره» (چشم باطن) ۱۴۸ مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند؛
۱۲. واژه‌های «عقل» و «نور» همراه با مشتقاتشان هر کدام ۴۹ بار ذکر شده‌اند؛
۱۳. هر کدام از الفاظ «زکات» و «برکت» ۳۲ مرتبه تکرار شده‌اند؛
۱۴. کلمات «السلطان» (پادشاه)، «منافق» (دورو) و «بلا» (گرفتاری) همراه با مشتقاتشان ۳۷ بار ذکر شده‌اند.^۱
- دقت در این محاسبات ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که در قرآن مجید حتی یک کلمه و یک حرف هم کم و زیاد نشده است. وگرنه، به‌طور مسلم چنین محاسباتی بر روی قرآن صحیح در نمی‌آید و این موضوع مهم‌ترین معجزه در اخبار غیبی قرآن است؛ چنان‌که می‌فرماید:

۱. معجزه اعداد در قرآن کریم، عبد الرزاق نوفل، ترجمه و تحقیق سعید همایون، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳.

هدی علیه السلام نقش مؤثری خواهد داشت.

و بالاخره آنکه: بی تردید قرآن کریم سرنوشت سازترین کتاب در زندگی مردم جهان بوده است. قرآن نه تنها در سرنوشت مسلمانان تأثیر ژرف داشته، بلکه در فرهنگ و تمدن سایر مردم جهان تأثیرگذار بوده است؛ پس بر مبلغین گرامی وظیفه است تا با بیان ساده و شیوای اعجاز قرآن برای نسل نو، باعث درک و شناخت آگاهانه آنها از اعجاز قرآن شوند که این امر، پذیرش اسلام و دستورات آن را آسان خواهد نمود و آنها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان محفوظ خواهد داشت.



﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

«ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.»

نتیجه گیری

نتیجه آنکه: قرآن کریم، نه تنها یک معجزه برای اثبات رسالت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و متناسب با نیاز و شرایط عصر بعثت می باشد؛ بلکه جنبه های مختلف اعجاز این کتاب الهی، در هر عصر و هر شرایطی و برای هر نسل و هر انسانی، گویای عظمت و بی مانندی خالق این آیات و حقانیت آورنده این کتاب است و در همه ابعاد به ناتوانی مخاطبان در آوردن نظیر برای قرآن شهادت و تأکید دارد.

دیگر آنکه: شناخت این ابعاد و تبیین آنها، در افزایش سطح باورهای انسانها و اعتراف به حقانیت دین اسلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، امامت ائمه